

پیام ندای سرخ شماره یک

به نام تمامی جانباختگان راه آزادی

دروود بر مردم غیور ایران

بنظر ما هر فردی که در مبارزه قدم می گذارد باید برای خود و مردم هدف و انگیزه ی خود را به روشنی توضیح دهد تا مردم بدانند که این همراهی در کجا با اهداف و خواسته هایشان مطابقت دارد و در کدام زمینه ها اختلاف عقیده و تمایز اهداف وجود دارد. تجربه نشان داده است که افرادی که از بیان اهداف و خواسته های نهایی خود، به بهانه ی «وحدت کلمه»، سر باز می زنند، هدفشان سرکوب نظرات مخالفشان به همین بهانه است. والا، اگرما به آزادی عقیده و بیان اعتقاد داشته باشیم، چرا باید طرح نظرات مخالف مان ضرورتاً به تشنت و جدایی بیانجامد. مگر نه اینستکه مبارزه می کنیم تا همه، از جمله مخالفانمان، آزاد باشند تا از حق بیان شان استفاده کنند؟ پس مطمئناً بیان این نظرات باعث ایجاد تفرقه و جدایی نخواهد شد.

هدف ما از شرکت در این مبارزات به مراتب فراتر از نتایج انتخابات ریاست جمهوری دهم است. و معتقد هستیم که اکثریت کسانی که در انتخابات شرکت کردند و به موسوی و یا کروبی رأی دادند نیز اهداف و خواسته هایشان به مراتب بالاتر از گزینش این یا آن فرد بوده است. زمانیکه مردم در مناظره های تلویزیونی به عمق اختلافات کاندیداها پی بردند و معتقد شدند که برای شکستن قدرت مطلقه از موقعیت انتخاباتی، بعنوان کم هزینه ترین راه، استفاده کنند. در حقیقت، انگیزه مردم به دستیابی به آزادی های مردمی و انسانی شان بود که در مقابل انحصارطلبان حکومتی به اصلاح طلبان حکومتی رأی دادند. اما هنگامیکه اینچنین با رأیشان برخورد شد و طرفداران حکومت مطلقه با تهدید به زور و سرکوب و قیحانه از قبول نتایج آراء سرباز زده و بقول شعار روزهای اول خیزش ها «رایشان را دزدیده و با همان رأی دزدیده شده، پُر مشروعیّت نظام را به جهانیان می دهند»، پس از سی سال خفقان و سرکوب، طاقتشان به نهایت رسید و در خیابان ها لبریز شد. نتیجه اش را هم دیدیم که چگونه حکومت وحشیان، سگهایشان را به جان مردم انداختند و صدها نفر را کشتند و صدها نفر دیگر مفقودالثر شدند و هزاران نفر را به بند کشیدند. اما، با اینحال، مبارزات مردم که اینک در مسیر انقلاب دیگری قرار گرفته است، سرکوب نشد و نه تنها به بقایش ادامه داد، بلکه روز به روز گسترده تر، فراگیرتر و منسجم تر شد و می شود. شرایطی که ما در آن قرار داریم، وضعیتی است که حکومت تنها به اتکاء نیروهای مسلحش خود را نگاه داشته و مردم نیز با وجود پرداخت چنین هزینه ی سنگینی، نمی توانند سلطه ی این حکومت را تحمل کنند. ما در انتخابات شرکت کرده بودیم که چنین هزینه ی سنگینی نپردازیم. اما، اینک که پرداخت این هزینه را به ما تحمیل کرده اند، دلیلی ندارد که خواسته های مبارزاتی خود را به نتایج انتخابات محدود کنیم. اینک زمان آن رسیده که مستقیماً برای آزادی های مردمی و انسانی خود مبارزه کرده تا اگر نتیجه ی مبارزات ما به قدرت گیری اصلاح طلبان حکومتی هم انجامید، ایشان بدانند که تا زمانیکه حقوق اولیه و خواسته های ما محقق نشود، دست از مبارزه بر نمی داریم.

پس روشن شد که هدف ما در این مبارزه، به روی کار آمدن افراد دیگری از همین حکومت نبوده، بلکه دستیابی به حقوق و آزادی های دموکراتیک مردمی است که در میدان های نبرد، هزینه ی آن را می پردازند. مهمترین و کلیدی ترین هدف و خواسته ی مردمی، که «دمکراسی» عنوان خود را از آن به عاریه گرفته، حق حکومت مردم بر مردم و حق تعیین سرنوشت مردم به دست خودشان بوده، که این اصل است که اجرای بقیه ی اصول دموکراسی را تضمین می کند. یعنی آزادی بیان، قلم، تجمع، تحزب، ارتباطات و اطلاعات و برابری حقوق جنسیت ها و اقلیت ها و خلاصه تمامی حقوقی که بصورت عامیانه به «حقوق بشر» خوانده می شود، تنها زمانی ضمانت اجرایی دارند که حق حاکمیت مردم اعمال شود. در غیر اینصورت، تا زمانیکه حکومت در دست گروهی چند صد و یا نهایتاً چند هزار نفره باشد، این گروه، به محدود کردن آزادی های مردم «غیر خودی» و سرکوب اعتراضات ایشان متوسل خواهد شد، تا قدرت و امتیازهای ویژه خود را حفاظت کند. پس اگر نتیجه ی مبارزات ما به «دمکراسی» نرسد، تمامی وعده - وعیدها و شعارهای آزادی خالی از هرگونه قدرت اجرایی بوده و فقط در حرف باقی می ماند.

البته این مبحث کلی، دارای شاخه ها و مشخصات بسیار دقیق تری است که ما، ممبعد، در هر پیام، بخشی از آنرا مطرح کرده و می شکافیم. مورد دیگری حتماً باید به آن پرداخته شود، و محور مباحث نظری ما را تشکیل می دهد، طرح معضلات و مشکلات جلوی پای مبارزات در جریان است که ممکن است مانع رشد و توسعه و شاید حتی بقاء آن باشد. به این دلیل ما برای این مبحث الوویت قائلیم که اگر این مبارزات نتواند به بقاء خود ادامه دهد و زبانمان لال، اگر سرکوب شده و یا به علت انحراف از راه، متوقف گردد، دیگر صحبت از دستیابی به «دمکراسی» و «حق تعیین سرنوشت» زائد است. تنها زمانی ما می توانیم به برقراری «حکومت مردم بر مردم» و آزادی های مردمی دست یابیم که این مبارزات تا شکستن کودتای دولتی پیش رفته باشد و در جریان این مبارزات، نهادهای مردمی آنچنان قدرتمند گردند که دیگر هیچ فرد و گروهی جرأت اقدام علیه آزادی های مردم و به بند کشیدن دوباره ی ما به مغزش هم خطور نکند. برخورداری از حق حکومت مردمی، از آغاز پیدایش جوامع متمدن بشری، مهمترین اصل زندگی اجتماعی بوده است. اهمیت آن به قدری بود که در جامعه ی یونانی که حکم هر بزهدار و جنایتکاری با هدف اصلاح مجرم تعیین می شده است و کمتر کسی را تنبیه کرده و یا به بند و زندان محکوم می کردند، فقط برای یک جرم حکم اعدام صادر می شده است و آن جرم «اقدام برای ایجاد دیکتاتوری و کوشش برای سلب آزادی از مردم» بوده است.

البته ما با مجازات اعدام برای هر جرمی، از جمله این جرم، مخالفیم. همچنین با هرگونه اعمال خشونت و ترویج آن نیز در جامعه مخالفیم. بنابراین، هر توصیه، طرح و یا پیشنهادی را که بخواهد مردم را به این راه بکشاند مردود دانسته و محکوم می کنیم. اما، در عین حال با توصیه هایی که امروزه زیر نام «مبارزه ی مسالمت آمیز» و «عدم خشونت» که مردم را به تحمل سرکوب و اعمال دیکتاتوری دعوت می کنند هم مخالفیم. ما از خود سؤال می کنیم که چه نوع افرادی و با چه انگیزه هایی سعی دارند زیر چنین عنوان هایی، ما را راضی به سکوت و باز گذاشتن دست سرکوبگران به قتل فرزندان و عزیزانمان مان کنند؟ ما با نصایح مسیح گونه ای که پیشنهادشان تقدیر از قاتلین و دژخیمان با دادن گل به ایشان است، سخت مخالفیم. البته اینکه علیه چنین افرادی اقدامات خشونت آمیز هم بکنیم، مخالفیم. ما معتقدیم که در مبارزات جاری باید به فکر روش هایی باشیم که سرکوبگران را از اعمال خشونت علیه مردم باز دارد. ما معتقدیم که نباید گونه هایمان را بچرخانیم و کشته دادن ها و به زنجیر کشیدن های بیشتر را تحمل کنیم. ما باید به دنبال طراحی راه و روش هایی باشیم که ابزار و سلاح های سرکوبگران را از کار بیاندازد. این راه واقعی مبارزه علیه خشونت است. یعنی راهی که سرکوبگران را نیز از اعمال خشونت باز دارد. پس ممبعد، بخشی از پیامهای ما را بررسی شیوه های سرکوب و پیشنهادهایی درباره چگونگی مبارزه و خنثی سازی این روش ها خواهد بود. در مطالعه این زمینه های مشخص خواهید دید که هدف، از کار انداختن ابزارهای سرکوب و ایجاد مانع برای اجرای موفقیت آمیز طرحهای سرکوبگران است و نه اعمال خشونت علیه ایشان! با بررسی روش های سرکوبگران در شکستن صف های تظاهرات و پراکنده کردن مردم به گروه های کوچکتر و قابل سرکوب، نقش گروه های موتور سوار بسیار برجسته می شود. آنها با استفاده از این گروه ها، همچون سواره نظام در جنگ های تاریخی، به صف های تظاهرات زده و با ایجاد فاصله بین گروه های مردمی، آنها را به جمع های قابل سرکوب تقسیم می کنند. همانطور که شاهد بوده اید، با به کارگیری متشکل و علمی یک گروه چند صد نفره از موتور سوارها، یک صف تظاهراتی چند ده هزار نفره را اول، تکه تکه کرده و سپس با هجوم نیروهای چماقدار پیاده شان، این گروه ها را با کتک و گاز و باطوم سرکوب کرده و کسانی را که از خود شجاعت و جسارت بیشتر نشان داده و یا در همان میدان نقش سازماندهی و راهنمای دیگران به روی دوششان افتاده است، و یا حتی فعالان سیاسی و جنبش های مدنی که قبلاً شناسایی شده اند را بازداشت می کنند. بنابراین بررسی این تاکتیک و یافتن راه های مبارزه با آن از الوویت های مبارزه علیه اعمال خشونت سرکوبگران می باشد.

باید دقت کرد که گروه های موتور سوار، تنها زمانی می توانند صف های پر جمعیت را پراکنده کنند که توانسته باشند به درون این صف ها نفوذ کرده باشند. متأسفانه، دیده شده است که صف های مردم، بصورت پراکنده و با فضاهای خالی بسیار حرکت می کنند. چرا که عادت راه رفتن تمامی راهپیمایان یکسان نیست. یکی آهسته تر و دیگری تندتر، یکی با تمرکز و مستقیم و دیگران جمعی و

همراه با حرف زدن و شوخی کردن و این ها باعث می شود که مردم جدا جدا حرکت کنند و فضای لازم برای نفوذ موتورسواران را مهیا سازند. در این مورد چند پیشنهاد داریم:

اول اینکه از راهپیمایی بی هدف خودداری کنید. پس از نماز جمعه، یکی از موفق ترین اجتماعات مردمی، تجمع مردم در مقابل وزارت کشور بود و علیرغم حملات موتور سواران و افراد پیاده ی سرکوبگران، فضای خیابان و میدان فاطمی باندازه ای بود که جمعیت های متفرق، بسرعت دور هم جمع شده و تجدید سازمان می کردند. اما جمعیت در حال حرکت گیشا، که زیر نظر نیروهای سرکوبگر هم بود، به این نیروها این امکان را داد تا با پیش بینی مسیر حرکت، مناسبترین منطقه را برای حمله و سرکوب انتخاب کنند. یعنی زمانی که جمعیت به روی پل رفت و هیچ راه در رویی نداشت. چه بسا کسانی که جمعیت را تشویق به گذر از روی پل کردند، نفوذی های نیروهای سرکوبگر بودند. چرا که همین جمعیت، اگر در زیر پل بود، هم از فضای بزرگراه چمران و خیابان گیشا می توانست استفاده کرده، متفرق و سپس دوباره جمع شوند و هم مردم دیگر می توانستند خود را به ایشان رسانده و به کمکشان بیایند. پس اولین اقدام ضد خشونت راهپیمایان چند هزار نفره، ساکن شدن در نزدیکترین میدان و یا منطقه ای است که دارای فضای کافی برای جنگ و گریز باشد. همچنین، حرکت جمعی باعث می شود که محیط درگیری احتمالی لحظه به لحظه تغییر یابد و نتوان محیط را برای پیشگیری از حملات سرکوبگران آماده کرد. بنابراین، هنگامیکه صف تظاهرکنندگان توانست به چند هزار نفر برسد، نزدیکترین میدان و مناسب ترین نقطه درگیری که دارای فضای کافی باشد را برای ادامه اعتراضات شناسایی کرده و در همانجا ساکن شده و یا تحصن کنید. تا رسیدن به آن نقطه باید جوانان با ایجاد زنجیر از طریق حلقه کردن بازوان در یکدیگر نوار غیرقابل عبوری برای موتور سواران ایجاد کنند. بهترین حالت اینست که افراد درون زنجیر نیز در صف های منظم، بازوان خود را حلقه کرده و صفوف را به یکدیگر بچسبانند تا فضایی بین شان وجود نداشته باشد. این یکی از قدیمی ترین تاکتیک های خیابانی است. در صورت حمله یک یا دو موتور برای شکستن حلقه، می توان حلقه را موقتاً باز کرد و ایشان را بلعید، اما به سرعت حلقه را بست تا این موتورها را از دسته هایشان جدا نمود. در این صورت مردم درون حلقه خود می دانند با ایشان چه بکنند. پیشنهاد ما اینست که به موتورسواران آسیب نرسانید، اما موتوهای ایشان خرد کرده و از کار بیاندازید.

دوم اینکه، با ساکن شدن جماعت در یک محل، می توان محدوده ی درگیری را قبل از رسیدن نیروهای سرکوب، آماده سازی کرد. باید فوراً در نقاط ورودی میدان و یا منطقه، موانعی ایجاد کرد تا از رفت و آمد موتورها و یا وسایل مکانیزه ی دیگر جلوگیری کرد. باید با سنگ و آجر و سطل های بزرگ زباله و تایرهای آتشین و خلاصه هر چه که به دستمان می رسد ایجاد سنگر کنیم. یکی دیگر از وسایلی که می تواند حمله موتورسواران را خنثی کند، طناب است. مثلاً، اگر برخی از تجمع کنندگان، هریک پنج تا ده متر طناب با خود آورده باشند، می توانند با گره زدن طناب ها، دور تا دور میدان و یا نقاط ورودی آن را طناب کشی کنند و ارتفاع این طناب ها از زمین حدود یک متر باشد تا موتور سوار را از موتورش جدا سازد. در صورت امکان سریعاً موتور را آتش بزنید تا مورد استفاده دوباره قرار نگیرد. همچنین می توان از لاشه آن برای مستحکمتر کردن سنگرها استفاده نمود. مانع کارای دیگری برای موتور، همان میخ های چهارپر قدیمی است. که اگر چند صد نفر، هر یک حتی یک کیلو از آن را با خود حمل کند، می توان دور تا دور منطقه ریخت تا لاستیک موتورها را پنچر کرده و از کار انداخت. البته از آنجاییکه بیشتر این تظاهرات ها بدون سازماندهی و تقسیم کار قبلی نمود تا موتور سواران قابلیت مانور خود را از دست بدهند. البته از آنجاییکه بیشتر این تظاهرات ها بدون سازماندهی و تقسیم کار قبلی صورت می پذیرد، به احتمال قوی نمی توان تنها از یک شیوه ی محافظتی استفاده نمود و اما می توان نسبت به کمیت ابزار جمع شده، با بکارگیری کلیه ی این رهنمودها در نقاط مختلف محیط درگیری موانعی را ایجاد کرد. پس جمع بندی ما از این بخش اینست که:

مبارزه علیه خشونت و تلاش برای از کار انداختن ابزار سرکوب برابر با خشونت نیست، بلکه عین مبارزه عدم خشونت است.

باید از راهپیمایی های بی هدف خودداری کرده و فوراً صف راهپیمایان را در مکان مناسبی مستقر سازند.

پس از استقرار تجمع در منطقه مورد نظر، فوراً در مقابل ورودی های آن سنگر بچینند. و وسایل دفاعی را جمع آوری کرده و به تناسب موجودی در مناطق مختلف به کار ببندند.

از آنجاییکه هنوز نمی توان نیروی محافظتی حرفه ای برای تظاهرات اعزام نمود، شرکت کنندگان در تظاهرات باید بدانند که مورد حمله نیروهای سرکوبگر قرار خواهند گرفت و هریک وظیفه خود بدانند که وسایل دفاع از تظاهرات را تا حد امکانشان تهیه نموده و با خود بیاورند. این وسایل عبارتند از: طناب، میخ های چهارپر، روغن موتور یا هر مایع لغزنده ی دیگر، نفت و کهنه برای ایجاد آتش و ...

مسلماً اینها تنها راهکارها نبوده، بلکه تا جایی که عقل ما می رسد مورد را بررسی کرده و راهکارها را پیشنهاد نمودیم. امیدواریم که نیروهای مبارز مردمی از این بحث استفاده کرده و در مورد راهکارهای مقاومت و مبارزه اندیشیده و نظرات خود را با دیگران در میان گذارند.

ما در پیامهای دیگر خود به اشکال متنوع مبارزه و مقاومت های شهری خواهیم پرداخت.

اتحاد مبارزه پیروزی

نان مسکن آزادی